

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

الهام دانایی سرشت در اسفند ۱۲۵۳، محمدرضا پهلوی تشکیل حزب موسوم به «رستاخیز ملت ایران» را با هدف تک‌حزبی کردن ساخت سیاسی کشور و نیز تثبیت دیکتاتوری خوداعلام کرد. اگر تا قبل از تشکیل حزب رستاخیز، شاه برای حفظ ظاهر حکومت خویش به‌عنوان نظامی‌دموکراتیک، احزاب فرمایشی را توسط مهره‌های خود به وجود می‌آورد، بعداز این تاریخ خود شخصاً تشکیل تنها حزب موجود کشور را به عهده می‌گیرد و با انحلال تمام احزاب وابسته، در بسط و گسترش دیکتاتوری خود کامانه خود گام برمی‌دارد. به همین مناسبت و در تحلیل بافت قدرت در رژیم پهلوی، با دکتر مظفر شاهدهی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران به گفت‌وگونستندیم‌یک نتیجه آن در بی‌می‌آید.

به عنوان سؤال نخست، تاریخچه‌ای از چگونگی شکل‌گیری و فعالیت احزاب، در جهت‌دموکراسی نهانشی در طول دوران ۲۷ساله سلطنت پهلوی دوم بیان کنید.

طی ۱۲ ساله‌نخست سلطنت محمدرضا شاه پهلوی (۱۳۲۲–۱۳۳۰) – که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ پایان‌بخش آن بود- به‌رغم فضای سیاسی و اجتماعی کمبایش آزادی که در عرصه کشور شکل گرفت، اما جامعه ایرانی به‌دلایل گوناگون داخلی و خارجی، ظرفیت سیاسی و اجتماعی بسنده‌ای برای تقویت و بلکه نهادینه کردن یک نظام دوکراتیک مبتنی بر رقابت احزاب و گروه‌های سیاسی، در چارچوب قانون اساسی مشروطه پیدا نکرد. بعد از کودتاهم که حکومت‌سپاکودتایی که از حمایت کودتاجیان خارجی (به‌طور مشخص آمریکا و انگلیس) هم برخوردار شده بود، به‌سرعت، همه احزاب و جریان‌های سیاسی مستقل را سرکوب کرد و از میان برداشت؛ فقط از اوایل سال ۱۳۳۶ و به‌دنبال گسترش بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، با هدف ارائه نمایندشی کنترل شدهاز شیوه‌به‌اصطلاح دموکراتیک سیاست‌ورزی و حکمرانی (تا جایی که هم حامیان خارجی آن را راضی کند و هم دامنه اعتراضات و انتقادات سیاسی و اجتماعی داخلی را کاهش دهد)، به تأسیس دو حزب مردم (به‌عنوان حزب پیشاپیش در اقلیت: در اردیبهشت ۱۳۳۶) و ملیون (باز به‌عنوان حزب پیشاپیش در اکثریت: در دی ۱۳۳۶) اقدام کرد که به‌ترتیب اسدالله علم و منوچهر آقبال (هر دو از فداییان اعلیحضرت هماپویی) آنها را هدایت می‌کردند. اما اولین مرحله این نظام دو حزبی تحت سیطره اعلیحضرت هماپویی، به‌ویژه به‌دنبال تقلبات گسترده حکومت در انتخابات به‌اصطلاح حزبی در تابستان سال ۱۳۳۹ و گسترش ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی شکست خورده، باز دیگر مجال آتی که حتی همان مجلس حکومت‌ساخته شورای ملی هم تعطیل بود، نظام دوحزبی مذکور هم عملاً عاطل و باطل مانده بود. فقط بعد از اینکه در شهریور ۱۳۴۲ و در یک فضای کاملاً کنترل شده، نمایندگان دلخواه شورای حامیان خارجی او وارد مجلس دوره ۲۱ شدند، با تأسیس حزب جدیدی تحت نام ایران نوین (در آذر ۱۳۴۲) که رهبران و اعضای برجسته آن قبل از کانوان مرتفی عضویت داشتند و معروف به‌حمایت از سیاست‌های آمریکا در ایران بودند، باز دیگر مقدمات اولیه شکل جدید فعالیت نظام دو حزبی و بعد هم چند حزبی تحت نظارت عالییه اعلیحضرت به‌میانبری فراهم شد: از آن پس و تا اسفند سال ۱۳۵۳ – که شاه به یکباره نظام چندحزبی صنعتی فائق مشروطه و مقبولیت سیاسی و اجتماعی خود را محسوس و مقبولیت تا‌نظام تک‌حزبی مورد عنایتش را در عرصه سیاست رسمی کشور حاکم کند- حزب ایران نوین (که عنوانی ماندن حزب پاسدار انقلاب سفید را هم بدک می‌کشید و دولت‌های وقت تحت ریاست امیرعباس هویدا با نظارت عالییه شاه، در رأس آن قرار داشتند)، همواره در اکثریت بود و حزب اقلیت مردم هم گمان‌های نهادن نقش اقلیت بی‌مقدار تعریف‌شدنش را یاقیانی کرد: از سال ۱۳۴۶ بدان‌سو علاوه بر دو حزب مذکور، حزب پان‌ایرانیتسه رهبریی محسن پژوهشگر هم با انقباض ارادت تمام و کمال خود به‌متنخص شاه، مجوز فعالیت محدود سیاسی را به‌دست آورد. هر چه در حال این نظام دوحزبی و سپس چند حزبی، مطلقاً مورد توجه مردم ایران قرار نگرفت و هر چه هم که زمان پیشترتی سبب می‌شد، مشروعبیت و مقبولیت آن نزد جامعه ایرانی کاهش یافت می‌شود گفت تا دیوپه‌بدیوار هیچ، تنزل پیدا کرد!

چه دلایل و عواملی باعث شدت شاه در اقدامی پیش‌بینی‌نشده، انحلال احزاب سیاسی موجود مثل احزاب ایران نوین و مردم را اعلام کند و رستاخیز تأسیس یک حزب فراگیر با نام رستاخیز ۱۳۵۳ را دهد؟ سابق قبل از آن بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ که در جمع کثیری از نمایندگان مجلسین شورای ملی و سنا و رهبران احزاب سیاسی رسمی موجود و شمار دیگری از رجال و کارگزاران بلندپایه حکومت، دولت، ویکبار به‌حکم به‌انحلال احزاب رسمی تا آن هنگام فعال در عرصه سیاست رسمی کشور و در همان حال تأسیس حزب واحد رستاخیز ملت ایران (که جز عنوان کمترین نسبیتی با ملت ایران نداشته)، دیده، هیچ‌گاه به‌طور رسمی، در باره این نظام تصمص خود یا کسی صحبت کرده بودا حتی شخصصی مانند امیراسدالله علم وزیر دربار شاهشاهی – که ارتباط بسیار نزدیکی هم با شاه داشت- تا آن هنگام کمترین اطلاعی از این تصمص شاه پیدا نکرده بودا البته بر خی رچال و از جمله شخصص امیرعباس هویدا، به گونه غیرمنتقصیم، گویا مدتی قبل از آن تاریخ، چیزهایی در باره این طرح شاه به‌گوشانش خورده بود، ولی از اینکه نهایتاً این ایده شاهانه به چه‌ترتیبی پیاده خواهد شد، چیزی نمی‌دانستند. شاه طی چنددهه حکومت سلطنت خود، بارها و بارها از نظام‌های تک‌حزبی – که اکثرشان در کشورهای کمونیستی فعال بودند- اعلام برات و حتی انزجار کرده بود. اما هر چه زمان پیشترتی سبب می‌شد، به‌ویژه به‌دلایل بی‌اعتنایی کلیت جامعه ایرانی به‌آن نظام تشریفاتی و حکومت‌ساخته حزبی که خود را نه‌میانمنده مردم بلکه برآورده فرامین اعلیحضرت هماپویی می‌دانست که چنان هم بود، شاه درمی‌یافت که نظام دوحزبی و چندحزبی او، آن کارایی و انتظاری که‌از آن داشت، برآورده‌نکرده بود بلکه به‌دلایل سوءعملکرد، حتی بر دامنه مشروعبیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی او در میان مردم ایران افزوده است. شاه به‌ویژه از اوایل دهه ۱۳۵۰، نسبت به‌عملکرد و خاطرات و یادداشت‌های باقیامنده از سوءظن پیدا کرده بود تا جایی که گاه ملیخوایلی گونه تصور

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی

هم‌نشینی پهلوی و حسن پهلوی